

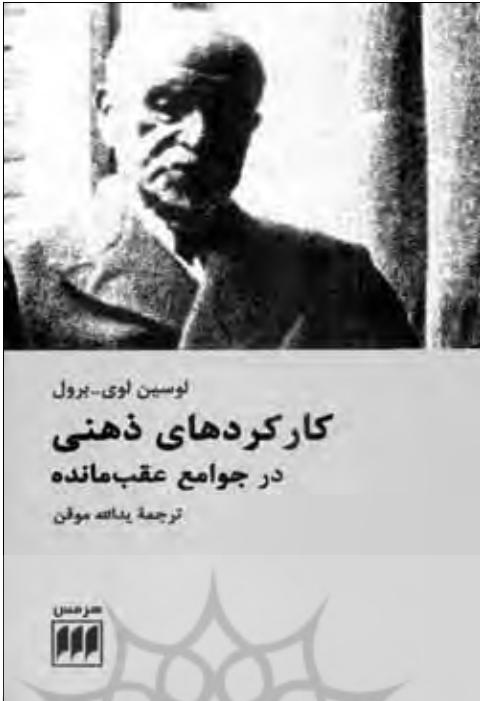
کار کرد ذهن اسطوره‌ای

هاشم بناء پور

انسان‌های بدوی اساساً عرفانی است، و آنان نیروها یا تأثیراتی را باور دارند که به حواس بشر در نمی‌آیند و عرفان به همه قوای ادراکی آنان نفوذ کرده است. افزون براین، ذهنیت آنان اصلًا از قوانین منطقی پیروی نمی‌کند. اگرچه این ذهنیت در کل متناقض با این قوانین نیست اما از نقض این قوانین منطقی بهویژه از نقض قانون امتناع تناقض نیز ابایی ندارد و از قانونی پیروی می‌کند که لوی—برول آن را قانون آمیختگی می‌نامد. براساس این اصل، یک شیء همزمان می‌تواند هم خودش باشد و هم چیزی دیگر. قانون آمیختگی را نمی‌توان با نظریه آنیمیسم تبیین کرد. وی تحلیل‌هایش را بر تعداد زیادی مثال عینی متکی می‌ساخت. علتی که ذهنیت اقوام بدوی برای تبیین پدیده به کار می‌برد علت اتفاقی و واهی (occasionalist) است.

ژان پیاژه، الیوت، جیمس جویس و کاسپیر و حتی سوررئالیست‌ها تحت تأثیر لوی—برول بوده‌اند. ژان پیاژه در دفاع از لوی—برول در برابر امیل دورکم مقاله‌ای با عنوان «منطق ژنتیکی و جامعه‌شناسی» نگاشت. گفتنی است که دورکم وجود دو نوع ذهنیت مجزاً و متفاوت را مردود می‌دانست و از دیدگاه تکوینی مدعی بود که خرد علمی از عرفان جمعی جوامع ابتدایی حاصل شده است و مفاهیم علت، نیرو، زمان، مکان، جنس و نوع از مفاهیم دینی به دست آمده‌اند و ساختارشان از روی گروه اجتماعی گردد برداری شده‌اند و گروه اجتماعی، شکل مادی خود را در این مقولات به صورت ذهنی و مفهومی ارائه می‌دهد. دورکم براین باور است که تصورات عرفانی انسان‌های ابتدایی خصلت عقلانی دارند و از این رهگذر نظر آگوست کنت را تأیید می‌کند که منطق در همه جوامع یکی است.

اما لوی—برول معتقد است ذهنیت عرفانی و پیش‌منطقی بر اثر تکامل یا تحول اجتماعی به ذهنیت منطقی — علمی تبدیل نمی‌شود. در این جامی توان به نظریه ماکس و بر اشاره کرد که می‌گوید علم غربی از جهان افسون‌زدایی کرده است. همین جمله و نیز نظریات لوی—برول، ناظر بر همین نکته است که اقوام غیرغربی زندانی تخیلات اسطوره‌ای هستند. در اندیشهٔ غربی اوهام کnar گذاشته شده‌اند و از رهگذر تخیلات اسطوره‌ای و توهمات ذهنی به جهان می‌نگرند.



کارکردهای ذهنی در جوامع عقب ماندہ. لوسین لوی—برول. ترجمهٔ یادالله موقن. تهران: هرمس، ۱۳۸۹. ۵۲۸ ص. جلد سخت: ۱۲۰۰۰ ریال، جلد نرم: ۹۰۰۰ ریال.

در این کتاب لوسین لوی—برول (۱۸۵۷-۱۹۳۹) فیلسوف و انسان‌شناس فرانسوی کارکردهای ذهنی را در جوامع بدوی تجزیه و تحلیل می‌کند. بر مبنای پژوهش‌های او، تفاوت ذهنیت اقوام بدوی با ذهنیت مردم جوامع مدرن غربی

در نوع است نه در مرتبه. اگرچه در نظرگاه انسان‌شناسان آنیمیسم شیوهٔ تفکر و استدلال انسان‌های بدوی مانند انسان‌های متقدم است، اما لوی—برول فرآیندهای عقلی انسان بدوی را متفاوت با فرایندهای عقلی غربیان می‌داند. او بر این باور است که ذهنیت بدوی بی‌تردید شکل مقدماتی یا آسیب‌دیدهٔ ذهن انسان فرهیخته نیست. آن‌چه موحد این تفاوت‌ها می‌شود، بازنمایی‌های جمعی است نه اندیشه‌های فردی. و دانشمند علوم اجتماعی باید به دنبال روان‌شناسی جمعی جامعه باشد.

بدین‌سان لوی—برول برای این که ذهنیت ابتدایی را تفسیر کند، مستندات خود را از جوامعی می‌گیرد که اعضاش کاملاً بی‌سوادنند. ناگفته نماند لوی—برول معتقد بود که همهٔ جوامع گوناگون بدوی ویژگی‌های مشترکی دارند که این ویژگی‌ها آن‌ها را از جوامع غربی متمایز می‌کند. بر این اساس او از ریچارد کارلوی—برول را به نقد می‌کشد، چرا که وی مثال‌های خود را از کتاب‌های دست دوم سیاحان و مبلغان مذهبی که مشاهدات آنان با بهترین روش‌های مردم‌نگاری منطبق نیستند برگزیده است. البته لوی—برول استدلال می‌کرد اگر سیاحان و مبلغان ذهنیت اقوامی را که مطالعه کرده‌اند درست فهمیده باشند گزینش این مثال‌ها ایرادی ندارد.

استدلال او از ریچارد بسیار سُست می‌نماید چرا که به نوعی مکافهه شیبه است و مبتنی بر تجربهٔ فردی، که کس دیگر را در آن قلمرو راه نیست، و نیز نمی‌توان صحت این گفته را ثابت کرد. این نوع تجربهٔ فردی مشمول صدق و کذب نمی‌شود.

با این حال لوی—برول درنهایت می‌پذیرد که وحشیان را غیرعقلانی تراز آن‌چه هستند نشان داده است. چرا که بازنمایی‌های

همان ذهنیت سنتی و پیش‌مدون و پیش‌روشنگری است. این ذهنیت، ذهنیت اساسی و شاید فطری بشر باشد. حاکمیت ذهنیت اسطوره‌ای در جامعه‌ما سبب شده است که به مسئله ذهنیت‌ها و جهان‌بینی‌ها توجه نشود و علت این نوع پیش‌داوری این است که در جامعه‌روشنگری ما اندیشه‌های هگل و مارکس رواج دارد و خاصه در محافل روش‌نگری مسئله ذهنیت و ذهنیت‌ها روپا فرض می‌شود. واقعاً کسی که در جهان بطمیوسی زندگی می‌کند یا جهان را تنها از دید اساطیر تفسیر می‌کند، قدرت درک جهان نیوتونی، اینشتینی، عقلانی و دیدگاه‌های انتقادی را ندارد.

ترجمه کتاب لوی – برول گامی است بزرگ و با مطالعه آن می‌توانیم حدود و ثغور شناخت را بشناسیم و با تحلیلی که وی از اسطوره ارائه می‌دهد، می‌توانیم گذشته فکری خودمان را با دید غیراسطوره‌ای و منطقی نقد کنیم. حُسن انتخاب یادالله موقن در ترجمه این کتاب ستودنی است.

در این کتاب فضای جادوی جوامع بدوي به خوبی به تصویر کشیده شده است. و با مطالعه آن می‌توان در نقد عالم اندیشه و جهان روش‌نگران ایرانی تفسیری دیگرگونه داد. بازنمایی‌های جمعی در ادراک انسان‌ها، قانون آمیختگی، شیوه کار ذهنیت پیش‌منطقی، ارتباط ذهنیت اقوام بدوي با زبان و... گذر به ذهنیت‌های عالی تر...، رسماهای بازنمایی‌های جمعی آداب و رسوم عرفانی از امهات مباحثی است که در این کتاب تجزیه و تحلیل شده است... مترجم علاوه بر تکمله، نقد امیل دورکم بر کارکردهای ذهنی در جوامع عقب‌مانده را بر کتاب افزوهد است که مطالعه آن بسیار مفید است.



جان کلام این‌که در اندیشه‌های غربی پدیده‌های جهان زیر سیطره قوانین و شبکه‌های از روابط علت و معلولی قرار دارند و از این رهگذر است که از جهان افسون‌زادایی شده است. چرا‌ای این مسئله را یادالله موقن با تکیه بر آرای لوی – برول به خوبی تجزیه و تحلیل کرده است.

به نظر من موقن در مقدمه کتاب انگشت روی موضوع مهمی گذاشته است و آن این‌که روش‌نگران ایرانی به این نکته پی‌نبرده‌اند که ذهن پیش‌منطقی پذیرای درس‌های تاریخ یا تجربه نیست. آگاهی تاریخی در دوره روش‌نگری ظهور می‌کند و در قرن نوزدهم که قرن تاریخ نامیده می‌شود به کمال خود می‌رسد. سرشت ذهن اسطوره‌ای برخی از روش‌نگران ایران بی‌زمان و ضد تاریخی و ایدئولوژیک است. برای این ایده یادالله موقن مصادق‌های فراوانی می‌توان یافت، برای مثال می‌بینیم که دکتر آریانپور که تفکر مارکسی داشت، در همان مبانی درجا می‌زد و نمی‌توانست جامعه خود را بشناسد. گفتار و نوشتار آریانپور نقدناپذیر بود و ایدئولوژیک. و در تفکر او کلی‌بافی و توده‌سالاری حرف اول و آخر را می‌زد. و دیدیم که در آخر عمر به تجلیل از نایب حسین کاشی پرداخت و کتابی پر جم ولی بی‌مغز درباره شورش نایبیان منتشر کرد. بالاخره تعصبات قبیله‌ای و خانوادگی و فرهنگی قبل از روش‌نگری کار خود را کرد و آریانپور از کسی تجلیل کرد که یاغی بود و گردنش و گردنی بند. پس می‌توان گفت کسی که ذهنیت ایلی و قبیله‌ای و اسطوره‌ای دارد نمی‌تواند جامعه‌شناسی بومی را بنیان‌گذاری کند.

روشنگر ایرانی پاییند اصل امتناع تناقص نیست بلکه از قانون آمیختگی پیروی می‌کند. آن‌چه لوی – برول ذهنیت بدوي می‌نماد.

